

پوهاند عبدالحي حبيبي - کابل

دینور بیهقی *

این جای را بیهقی دو بار در تاریخ مسعودی خود مذکور داشته (ص ۳۳۱ و ۶۹۰ طبع دکتور غنی و قیاض) که در تمام نسخه‌های خطی و چهار طبع تاریخ بیهقی (کلکته - ادیب پشاورى - سعید نفیسی - غنی و قیاض) دینور بوده، و این حتماً تصحیفی است که کاتبان نسخ خطی مرتکب شده‌اند.

ذکر این جای در موردیست که سلطان غزنه مودود، در سنه ۴۳۲ هـ بعد از حبس سلطان مسعود در ماریکله و قتلش در کهری^۱ با انتقام خون پدر از غزنه بیرون می‌آید و از راه کابل به سوی شرق حرکت کرده و بقول بیهقی در دینور - که بغلط دینور نوشته شده - کینه امیر شهید را بازمی‌خواهد، و بغزنین برمیگردد. (ص ۳۳۱) چون در نسخ خطی و چاپی کلکته این کلمه به دینور تصحیف شده، مرحوم ادیب پشاورى که مردی محقق و بصیر بود، ملتفت این نکته گردید و در حاشیه چاپ قدیم تهران دینور را قطعاً غلط پنداشت و نوشت «که دینور در حدود کرمانشاهان بوده، و با این داستان مناسبتی ندارد و احتمال می‌رود که در اصل پر شور (پشاور) بوده است نزدیک پنجاب، چه قتل مسعود در آن حدود واقع است». (تم کلامه).

مرحوم سعید نفیسی (ص ۳۹۸ ج ۱) در متن همین دینور را گرفت ولی در حاشیه همین صفحه بعد از نقل نظر مرحوم ادیب پشاورى گفت:

«این شرحی که ناشر طبع تهران نوشته دلیل نیست که نام این محل پر شور و دینور نباشد زیرا که اولاً از این شرح معلوم نمیشود که مودود هم به پر شور رفته باشد، و پس از آنکه محمد از پر شور بیرون آمده، جنگ در میان ایشان در گرفته

* تحقیقی است بسیار جالب و دقیق و بی سابقه که مورد توجه علمای دنیا خواهد بود.

دینور به ضم دال است. (مجله یغما)

۱- این هر دو جای اکنون هم بهمین نامها در ماوراء اتک موجود و مشهوراند.

است . و ثانیاً از متن بر نمی آید که این همان محلی باشد که محمد در آنجا بوده است . و چون در همه نسخه‌ها دینور نوشته‌اند ، احتمال می‌رود دینور بجز شهر معروف نزدیک کرمانشاهان ، نام محلی دیگری هم در حوالی غزنین بوده باشد که در کتابها ضبط نکرده‌اند . « (تم کلامه)

اکنون ما این مشکل جغرافی را بعد از خواندن حدس مرحومین چنین حل میکنیم :

۱- طوریکه هر دو دانشمند مذکور نوشته‌اند ، دینور در اینجا نبود و بنابراین نام دیگریست .

۲- طوریکه مرحوم سعید نفیسی گفته پرشور هم صحت ندارد .

پس این نام اصلاً چه بود ؟

جنگی که بین امیر مودود و عمش محمد مکحول واقع گشته ، در پشاور نبود ، بلکه این پیکار در ولایت **ننگرهار** که مرکز آن اکنون جلال آباد است روی داده بود . و منهاج سراج جوزجانی بدین مقصد چنین تصریح میکند :

« حق تعالی مودود را نصرت بخشید در حدود ننگرهار محمد گرفتار شد . »^۱ و این تصریح منهاج سراج حتماً صحنه جنگ را از پشاور بدین طرف دره خیبر یعنی **وادی ننگرهار** می کشاند ، که اکنون هم بدین نام مشهور است .

این قول منهاج سراج را دو روایت دیگر نیز تقویه میکند : بدین معنی که محمد بن منصور مبارکشاه معروف به فخر مدبر مورخ و نویسنده اواخر عصر غوریان که در حدود ۶۰۰ هـ در هند میزیست و کتاب آداب الحرب والشجاعه خود را بعد از ۶۰۷ هـ بنام سلطان التمش در هند نوشت . او می نویسد : « هنگامیکه سبکتگین کابلشاه جیبیل را بزد ، در صحرا کندی رباطی کرد که آنرا **امیر کندی** خوانند ... و هم در آن ناحیت سلطان مودود کشندگان پدر خود سلطان مسعود را هزیمت کرد و در آن موضع رباطی کرد و آنرا **فتح آباد** نام کرد . »^۲

۱- طبقات ناصری ۱ ر ۲۳۴ طبع حبیبی در کابل ۱۳۴۲ ش .

۲- اقتباسات از آداب الحرب والشجاعه ص ۴۴ طبع مس اقبال شفیع در لاهور .

عین همین مقصد را ابوالحسن علی حسینی مورخ سلاجقه نیز نوشته که سلطان مودود روز ۳ شعبان ۴۳۲ هـ محمد و اولاد او را بشکست و بکشت و « بنی السلطان مودود قریهٔ و رباطاً و سَمّاها فتح آباد ثم انتقل الی غزنة »^۱ این رباط گندی که فخرمد بر آنرا بنای سبکتگین خواند ، و فتح آباد هم در آن نواحی نشان میدهد ، تا کنون در لمغان موجود است . و فتح آباد هم بهمین نام بر راه قدیم کابل و ننگرهار در همین ولایت افتاده ، و ما محل وقوع جایکه در نسخ بیهقی دینور نوشته شده ، ازین دو سند دیگر تعیین کرده میتوانیم که حتماً در نواحی همین گندی و فتح آباد ولایت ننگرهار بوده است ، و ابونصر محمد بن عبدالجبار العتبی نیز فتح سبکتگین را بر جیسال در همین سرزمین لمغان می نویسد^۲

اما دینور تصحیف شدهٔ اصلاً دنیپور - دنیپور بوده دال و نون . زیرا بوریحان البیرونی که خودش این نواحی را دیده جای بی راه نام دنیپور (در نسخ خطی به ضمه دال و باء) بین کابل و برشاور ذکر میکند ، که از پشاور پانزده فرسنگ و تا کابل دوازده فرسنگ (هر فرسنگ ۴ میل) فاصله داشت^۳ که جز همین حدود جلال-آباد کنونی جای دیگری تشخیص شده نمیتواند . و مطابق اشارات منهاج سراج و فخرمد تبر و علی حسینی فتح آباد و رباط گندی در نزدیکی های آنست .

همچنین البیرونی در جداول طول و عرض بلدان و اقلیم رابع همین رباط گندی معروف بر رباط امیر و لنبگا (لمغان) و دنیپور را متصل همدیگر آورده است^۴ که مانند مؤلفان سابق ، وقوع دنیپور را در همین نواحی ننگرهار اشارت مینماید . در حدود العالم من المشرق الی المغرب از مؤلفی ناشناس در (۳۷۲ هـ) نیز سه بار ذکر همین دنیپور آمده ، که مؤید نظر ما در تعیین موقع آنست بدین موجب :

۱- در شرح دریاها گوید : دیگر رودیست که از حدود لمغان و دنیپور از کوه

۱- اخبار الدولة السلجوقية ص ۱۴ طبع پروفیسر محمد اقبال لاهور ۱۹۳۳ م

۲- تاریخ یمنی ۲۱ طبع لاهور ۱۳۰۰ ق ۳- کتاب الهند ۱۶۵ طبع حیدرآباد

هند ۱۹۵۸ م ۴- قانون المسعودی ۵۷۴ ر ۲ طبع حیدرآباد دکن ۱۹۵۵ م

بکشاید و بر حد نینهار۔ (ننگهار۔ ننگرهار) بگذرد از سوی جنوب، آنرا رود لمغان خوانند^۱ .

۲- در شرح کوهها گوید: يك سلسله كوه از حدود کشمیر، ویند، دنیپور و لمغان بر جنوب بلوروشکنان و وخان و بدخشان همی گذرد^۲ .

۳- در ضمن شرح شهرهای لمغان - ویند گوید: دنیپور (دینور طبع شده) شهر است برابر وی (لمغان) بر کرانه رود نهاده... و اندر وی بتخانه است^۳ . از هر سه ذکر فوق هم پدید می آید که مراد از دنیپور متصل لمغان بر کرانه رود، همین حدود جلال آباد کنونی است^۴ . و بحسب نویسنده این سطور آنچه در شاهنامه فردوسی جایی به املائی دنیپور - دنور ضبط شده نیز همین مقام بوده است .
یدین تفصیل:

۱- در احوال منوچهر گوید:

چنان بد که روزی چنان کرد رای	که در پادشاهی بجنبند ز جای
برون رفت با ویژه گردان خویش	که با او یکی بودشان رای و کیش
سوی کشور هندوان کرد رای	سوی کابل و دنیپور و مرغ و مای...
ز زابل بکابل رسید آن زمان	گرازان و خندان و دل شادمان ^۵

در اینجا رفتن سوی کشور هندوان و از زابل بکابل شدن و به دنیپور گذشتن، همان موقع دنیپور را تثبیت میکند .

۲- در داستان خاقان چین گوید:

همی گشت شنگل میان دو صف	یکی تیغ هندی گرفته بکف
یکی چتر هندی بسر بر بیای	بسی مردم از دنیپور و مرغ و مای ^۶

۳- در شرح جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب هنگامیکه کیخسرو، در بروی بزرگان کشور بست، و به ایشان بارنداد پدر کیو به پسر خود گفت:

۱- حدود العالم ۴۱ طبع تهران ۱۳۴۰ ش ۲- حدود ۲۸ ۳- حدود ۷۲

۴- در زین الاخبار گردیزی هم نام اینجا را سهواً (دنیپور) طبع کرده اند که در دو نسخه خطی

آن چنین بود . ۵- شاهنامه ۱۵۵ر۱ طبع برتلس درمسکو ۱۹۶۳ م

۶- شاهنامه ۲۳۸ر۴

بباید شدن سوی زابلستان
 بزابل برستم بگویی که شاه
 در بار بر نامداران بیست
 کنون هر که او هست پاکیزه رای
 ستاره شناسان کابلستان
 بیارید زین در یکی انجمن
 سواری فرستی به کابلستان
 زیزدان بپیچید و گم کرد راه
 همانا که با دیو دارد نشست ...
 ز قنوج وز دنور و مرغ و مای
 همه پاکرایان زابلستان
 بایران خرامید با خویشتر^۱
 بعد ازین ستاره شناسان و سران ، و در آن جمله از دنور هم کسانی باز یح
 هندی فراهم می آیند ، ناعلت خشم کیخسرو را کشف نمایند :

ستاره شناسان و کنداوران
 ز قنوج وز دنور و مرغ و مای
 برفتند باز یح هندی ز جای^۲
 هم در این داستان هنگامیکه سران کشور بخسرو اجازت بار
 می یابند ، باز زابلی و کابلی و دنبری با هم یکجای اند :

ز داندگان هر که بد زابلی
 ز قنوج وز دنبر و کابلی
 یکایک برسید و بنواختشان
 برسم مهی پایگه ساختشان^۳
 اگرچه این داستانها رانمی توان تماماً مقام حجیت تاریخی داد ، ولی اینقدر
 از آن پدید می آید ، که در روایات کهن داستانی هم همین دنبر - دنور - دنپور
 به سلسله کابل و زابل و کشور هندوان شهرتی داشت که هویت مثبت جغرافی مابعد
 آنرا تقویت می بخشد ، و مامی بینیم که این نام برای همین شهر تا عصر ظهیرالدین
 بابر هم بشکل **ادینه پور** باقی بود ، که بابر آنرا در همین سرزمین ننگرهار مانحن
 فیه در ترک خود نام برده است

در تحلیل نام **دنپور** یا **ادینه پور** متأخر بابر باید گفت که این نام ریشه
 های قدیم دارد ، و جنرال کننگهم دانشمند انگلیسی ، مطالب سودمندی را در
 آن باره فراهم آورده که مختصر آن چنین است :

زایر چینی هیون تسنگ دوبار این سرزمین را دیده است ، دفعه اول ۱۵ -

اگست ۶۳۰ م به نگره هاره رسید ، و دو ماه بزیارت اما کن مقدس بودائی پرداخت و بار دوم حین بازگشت از هند در ماههای جنوری فبروری ۶۴۴ م درینجا بود ، که آنرا به چینی Na-ki-Lo-ho گوید (اکنون ننگهار = ننگرها) و در جغرافیای بطلمیوس نگره Nagara بود ، و قراریکه جولین تحقیق کرده همین نام در سالنامه خاندان سانگ چینی Nang-go.Lo-ho-Lo ذکر شده است ، در حالیکه نام سنسکریت این سرزمین نگره هاره Nagrahara در يك کتیبه خرابه زار کهو سراوا ، در بهار هند یافته شده بود^۱

مرکز قدیم این سرزمین (دنیور) باید در همان جایی باشد ، که اکنون بگرام گویند ، و در دومیلی غرب جلال آباد واقع است .

سالها قبل ازین پروفیسر لاسین Lassen تعیین کرد ، که نگره بطلمیوس همین ننگرها کنونی است ، که آنرا در یونانی دیونیسوپولس هم نوشته است ، و بین کابوره و اندوس (کابل - دریای سند) واقع بود ، چون در زبان سنسکریت ادیانته Udyana بمعنی باغ و بستان است ، بنابراین ادیانته پور که بقول سنت مارتن نام قدیم نگره هاره بود^۲ باید معنی بستان زار یا باغستان داشته باشد .

جنرال کننگم گوید : میسن در سفرنامه خود (۱۶۴۲) روایت میکند که مردم ننگرها در آنوقت (صدسال قبل) میگفتند که نام اینجا در زمان قدیم اجنه Ajuna بود و این همان ادیانته (= ادینه پور بابر) است ، قیاس بر نام دیامونس Diamuns مذکور در جغرافیای بطلمیوس که در سنسکریت دریای جناست ، و ادیانته باجنه تبدیل شده باشد ، زیرا در زبان پالی هم همان ادیانته سنسکریت Ujjān بود.^(۲)

اکنون ازین جستجوهای تاریخی نتایج ذیل را می گیریم :

۱ - دنیور نسخ خطی و مطبوع بیهقی اصلا دنیور است .

۲ - دنیور بیهقی والبیرونی و حدود العالم و گردیزی در جایی که اکنون

شهر جلال آباد واقع است در نزدیکی های لمغان و فتح آباد ، بر کرانه جنوبی دریای

۱ - مجله جمعیت آسیای بنگال ص ۴۹۰ طبع کلکته ۱۸۴۸ م ۲ - جغرافیای

قدیم هند ص ۴۶ - انگلیسی طبع هند .

کابل افتاده بود ، که آثار بتکده های بودائی آن اکنون در هده کشف شده ، و بقایای بساستوپه های دیگر بودایی در اطراف جلال آباد کنونی نمایان است .

۳ - هیون تسنگ چینی در اوایل قرن نخستین اسلامی ، معبد جمجمه بودا را در هده دیده بود ، و هدبه دال ثقیل تا کنون در پشتو بمعنی استخوان است ، پس هده جای حفاظت جمجمه بودا بود ، که هیون تسنگ آنرا به تفصیل شرح داده است ، و اینک باستان شناسان جوان افغانی ، بقایای يك معبد بزرگ بودایی را با نقاشی ها و مجسمه های بسیار جالب و زیبا و ابنیه بزرگ بريك تپه همین هده کشف کرده اند ، که حفاری و کاوش آن ادامه دارد و آنچه هیون تسنگ و مؤلف حدود العالم گفته : «واندر روی بتخانهاست» - صدق میکند .

۴ - دنبر - دنور فردوسی هم باغلب احتمال همین دنپور است .

۵ - ریشه قدیم این نام درسسکریت ادیانده پور (باغستان) بود ، که پسانتر

دنبر - دنور - دنپور - ادینه پور - اجنه پور شده باشد .

۶ - دنپور در ولایت تاریخی ننگرهار واقع بوده ، که نام دوم تا کنون زنده است .

صاحب نظر

چندان که اسیر مهر خود ساخت مرا
چون قطره اشک از نظر انداخت مرا
صاحب نظری به لطف بنواخت مرا
چون دید که نور چشم خود ساختمش

دکتر حریری - پاریس

افسانه تلخ

بگذشت و گذشت عشق و نام و نتکش
در دامن تیرگی فرود خورشید
افسانه تلخ و قصه نیرنگش
حالی من و این شب دراز آهنگش
مشفق کاشانی